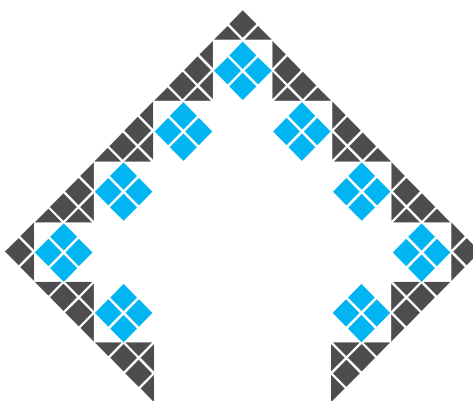


واکاوی رهیافت‌های پیشگیری اجتماعی از وقوع جرایم جنسی در قرآن کریم با تأکید بر ازدواج



حجت‌الاسلام والمسلمین احمد رضا پور خاقان شاه‌رضایی، رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح و مدرس حوزه و دانشگاه

چکیده

پیشگیری اجتماعی که به دنبال جلوگیری از شکل‌گیری زمینه‌های وقوع جرم است با انجام اقداماتی موجب از بین بردن علل فردی و اجتماعی وقوع بزه می‌باشد.

مطالعه آیات قرآن کریم حکایت از این دارد که از منظر این کتاب آسمانی اصل بر پیشگیری اجتماعی و اولیه از وقوع جرایم جنسی است. با بررسی آیات شریفه قرآن کریم ملاحظه می‌گردد ازدواج به عنوان یکی از راهکارهای مهم پیشگیرانه از وقوع جرم و از مؤثرترین راهکارهای پیشگیری از وقوع جرایم جنسی می‌باشد. مقاله حاضر با رویکرد توصیفی و تحلیلی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای و تمرکز بر قرآن کریم و کتب تفسیری و فقهی به بخشی از پیشگیری اجتماعی از وقوع جرایم جنسی در قرآن کریم با تأکید بر ازدواج می‌پردازد و در مقام تبیین نقش والدین، حاکمیت و عموم افراد اجتماع در خصوص ازدواج و تأثیر آن بر پیشگیری از جرایم جنسی است و اثبات می‌کند از منظر اسلام یکی از راهکارهای اساسی مبارزه با مفاسد اخلاقی که جزء پیشگیری‌های اجتماعی محسوب می‌شود، ترویج ازدواج در سن بلوغ جنسی و قبل از رسیدن به مرحله بحران است و برای رسیدن به این مهم همه افراد جامعه اعم از والدین، فرهنگ عمومی مردم و حاکمیت مسئول می‌باشند و چنانچه هرکس در این خصوص به وظیفه فردی خود عمل کند شاهد کاهش چشمگیر جرایم جنسی خواهیم بود.

واژگان کلیدی: پیشگیری، ازدواج، جرایم جنسی، قرآن کریم



درآمد

رویکرد پیشگیری از گناه در آیات متعدد قرآن کریم به صورت عینی و ملموس مشاهده می‌شود. در قرآن کریم آیات بسیاری به ازدواج اختصاص داده شده است. از نظر اسلام جایگاه ازدواج آنقدر والا می‌باشد که امام صادق علیه‌السلام در باب جایگاه انسان متأهل می‌فرمایند: «دو رکعت نمازی که مرد زن‌دار بخواند بهتر است از مرد مجردی که شب را به عبادت سپری می‌کند و روز را روزه داری کند». همچنین روایات منقول از وجود نازنین پیامبر اکرم اسلام صلی الله علیه وآله و سلم بر تأثیر بسزای ازدواج در کاهش انحرافات و حفظ ایمان انسان تأکید دارد ایشان می‌فرمایند: «هر جوانی که در دوره جوانی‌اش ازدواج کند شیطان‌ش فریاد بر آورد که ای وای دینش را از (گزند) من حفظ کرد».

در این بین یکی از آثار و فواید ازدواج به عنوان راهکاری پیشگیرانه در امر مبارزه با مفاسد اخلاقی است. بدیهی است انسان با توجه به غریزه‌های که خداوند در وجود او قرار داده، به صورت طبیعی به طرف جنس مخالف گرایش دارد و با توجه به مشروع بودن غریزه جنسی در انسان که از نظر تکوینی جزئی از ارگانیسم بدن سالم محسوب می‌شود، لذا باید در مسیر مشروع و پذیرفته شده قرار گیرد و موجبی برای بروز جرایم مختلف و انحرافات را نداشته باشد. از این رو در این مقاله ترغیب به ازدواج به عنوان راهکاری پیشگیری وقوع جرایم جنسی و در زمره پیشگیری اجتماعی از وقوع جرم محسوب می‌شود؛ چرا که پیشگیری اجتماعی با ایجاد تغییرات در فرد و جامعه به دنبال جلوگیری از شکل‌گیری جرم می‌باشد. به گونه‌ای که افراد در سایه آن آموزه‌ها رغبتی به ارتکاب جرم نداشته باشند. این مقاله در دو بخش

و در هر بخش نیز اجزای مختلف موضوع را مورد بررسی قرار خواهد داد.

۱- ازدواج و مسئولیت فرد

«وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»؛ (سوره نور، آیه ۳۲)؛ «عزب‌هایتان را و غلامان و کنیزان خود را که شایسته باشند همسر دهید. اگر بینوا باشند خدا به کرم خود توانگرشان خواهد ساخت، که خدا گشایش دهنده و داناست».

یکی دیگر از راهکارهای پیشگیرانه قرآن کریم در امر مبارزه با مفاسد اخلاقی بحث ازدواج است. بدیهی است انسان با توجه به غریزه‌ای که خداوند در وجود او قرار داده به صورت طبیعی به طرف جنس مخالف گرایش دارد و از راه آمیزش است که می‌تواند نسبت به حفظ و بقا نسل خود اقدام نماید.

اقدامات پیشگیرانه اعم از حفظ نگاه و حفظ حجاب قطعاً از شعله‌ور شدن آتش عشق مجازی و بوالهوسی جلوگیری می‌کند و مانع از تحریک قوا می‌شود، اما این تمام کار نیست. با توجه به مشروع بودن غریزه جنسی در انسان که از نظر تکوینی جزئی از ارگانیسم بدن سالم محسوب می‌شود، زن و مرد از سن مشخص با تحرکات جنسی روبرو هستند؛ اما نمی‌توان از لحاظ ارگانیک تصور کرد در درون انسان این حس وجود داشته باشد و از طرف دیگر بخواهیم با دستورات دینی راه ارضاء آن را سد کنیم؛ زیرا از لحاظ فیزیکی ثابت شده است هر شیء وقتی در معرض محرک قرار گیرد تا یک حدی در مقابل آن مقاومت می‌کند که به آن آستانه تحمل گفته می‌شود و از آن درجه به بعد مقاومت خود را از دست می‌دهد. به عنوان مثال یک توپ مثلاً تا صد پسی باد را تحمل می‌کند و به محض ورود

یکصد و یکمین پسی می‌ترکد و این چنین است دیگ زودپز و طنابی که آن را می‌کشیم، انسان نیز در مقابل غریزه جنسی این گونه است و البته هر چند او از عناصر تحریک کننده فاصله بگیرد آستانه تحملش بالاتر می‌رود. قطعاً در جامعه‌ای که مرز بین زن و مرد با حفظ حجاب و نگاه معین شود، انسان کمتر در معرض صحنه‌های تحریک کننده قرار می‌گیرد؛ اما این بدان معنی نیست که قوای جنسی او سرکوب شده و دیگر تحرکی ندارد. متأسفانه در بعضی از ادیان مانند مسیحیت تحریف شده، فاصله گرفتن از جنس مخالف و ریاضت کشیدن افراطی به عنوان راه حل مبارزه با مسائل جنسی مطرح شده و به طور کل با ازدواج مخالفت شده است.

تفکر رهبانی زن را مظهر دنیادوستی و دنیاگرایی می‌شناسد و معتقد است تنها راه رهایی از دنیاگرایی فاصله گرفتن از زنان است. شهید مطهری در کتاب اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب چنین آورده: «عقاید تحقیرآمیز راجع به زن در میان ملل و اقوام قدیم مبنی بر این است که زن انسان کامل نیست (بلکه) برزخی است میان انسان و حیوان. زن دارای نفس ناطقه نیست، زن به بهشت هرگز راه نخواهد یافت و امثال اینها زیاد وجود داشته است» (مطهری، ۱۳۷۲: ۱۵).

در میان ادیان آسمانی دین مسیحیت کنونی که دچار تحریف شده به ترک دنیا و به طور خاص به ترک ازدواج گرایش نشان داده است. آیه ۲۷ از سوره حدید که می‌فرماید: «... و رهبانیتی که به بدعت آورده‌اند ما بر آنها مقرر نکرده‌ایم...»^(۱) (سوره حدید، آیه ۲۷). دلالت بر این تحریف دارد. شهید مرتضی مطهری (ره) در خصوص رهبانیت در بین مسیحیان چنین آورده: «از نظر آنان (عالمان مسیحی) زن ذاتاً موجودی پلید بوده و همبستری ولو با زن



شرعی عمل کثیفی بوده و لهذا افراد مقدس و پاک و منزّه، افرادی که شایستگی داشتند به مقامات عالیه روحانی برسند کسانی بودند که در همه عمر زن را لمس نکرده بودند. پاپ از میان چنین افرادی انتخاب می‌شده و اکنون هم چنین است ... و در نهایت می‌گفتند: اما مردم که نمی‌توانند مجرد باشند. اگر ما به اکثر مردم بگوییم مجرد زندگی کنند اینها مرتکب عمل زنا می‌شوند که پلیدتر است ... بنابراین از باب دفع افسد به فاسد ازدواج را اجازه می‌دادند» (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۴: ۱۸).

البته تحقیقات نشان می‌دهد نگاه بدبینانه به ازدواج نه تنها بر کرامت انسان‌ها نیفزود، بلکه راهبان تارک دنیا را به ورطه انحراف کشانده. در این خصوص خبرهای تکان‌دهنده‌ای از تجاوزات جنسی کشیشان به کودکان و افراد ضعیف مخابره می‌شود؛ اما اسلام نه تنها انسان را به سرکوب غرایض تشویق و توصیه نمی‌کند، بلکه راه صحیح ارضاء غرایض و خصوصاً غریزه جنسی را به او نشان می‌دهد. در آیه ۳۲ از سوره مبارکه نور ازدواج به عنوان یکی از راههای عفت اجتماعی بیان شده است و روایات فراوانی به اهمیت نقل ازدواج تأکید دارد. چون تنها راه ارضاء مشروع غریزه جنسی ازدواج است و تا آنجا بر ازدواج تأکید شده که انسان عذب یعنی کسی که ازدواج نکرده را مورد لعن و نفرین زمین دانسته‌اند. همچنین در روایتی پیامبر اکرم اسلام صلی‌الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «بدترین شما عذب‌های شما نیستند و فرومایه‌ترین مردگان همچنین عذب‌های شما نیستند»^(۷) (مظاهری ترجمه، ۱۳۸۹: ۳۰۵).

همچنین در روایات فراوانی در ترغیب به ازدواج آمده است و در اینجا به عنوان نمونه به چند عدد از آنها اشاره می‌کنیم، نبی مکرم اسلام صلی‌الله علیه فرمودند: «هر کس دوست دارد که پاک و پاکیزه

خدا را دیدار کند با داشتن همسر به دیدارش رود»^(۸) (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰۰: ۲۲۰). همچنین حضرت فرمودند: «هیچ بنایی در اسلام پایه‌گذاری نشده است که در پیشگاه خداوند محبوب‌تر و عزیزتر از امر ازدواج باشد»^(۹) (همان: ۲۲۲).



اولین کانونی که کودک در آن تربیت می‌شود و شخصیت او شکل می‌گیرد خانواده به معنای جمع کوچک پدر، مادر و احیاناً خواهران و برادران است. بدیهی است والدین در ترغیب فرزند به ازدواج نقش بسزایی دارند و ایشان نه تنها باید فرزند را تشویق به ازدواج کنند بلکه باید زمینه‌های یک ازدواج آبرومندانه و از روی شناخت را برای فرزند خود فراهم سازند. در تفسیر نور به نقل از تفسیر مجمع‌البیان چنین آمده است: «پدر و مادری که با داشتن امکانات فرزندشان را همسر نمی‌دهند اگر فرزند مرتکب گناه شود والدین در گناه او شریک هستند».



ملاحظه می‌کنید از نظر اسلام آن قدر جایگاه ازدواج والا می‌باشد که اولین شخصیت این شریعت، محبوب‌ترین و ارجمندترین بنیان را ازدواج می‌داند و در باب جایگاه انسان متأهل امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «دو رکعت نمازی که مرد زن‌دار بخواند بهتر است از مرد مجردی که شب را به عبادت سپری می‌کند و روز را روزه‌داری (کند)»^(۱۰) (همان، ج ۹۹: ۲۱۸).

همچنین روایات منقول از وجود نازنین پیامبر اکرم اسلام صلی‌الله علیه و آله و سلم بر تأثیر بسزای ازدواج در کاهش انحرافات و حفظ ایمان انسان تأکید دارد ایشان می‌فرمایند:

«هر جوانی که در دوره جوانی‌اش ازدواج کند شیطان‌ش فریاد برآورد که ای وای دینش را از (گزند) من حفظ کرد»^(۱۱) (مظاهری (مترجم)، ۱۳۸۹: ۳۶۲).

۲- ازدواج و مسئولیت دیگران

انکح از باب افعال و به معنای به ازدواج در آوردن می‌باشد. در کتاب ترجمه منجدالطلاب آمده است: «انکحه المراه یعنی زن را به عقد او در آورد» (بند ریگی، ۱۳۷۴: ۶۰۸) و در فرهنگ ابجدی آمده: «انکح انکاحاً (نکحه) المراه: آن زن را به زناشویی او در آورده» (مهیار، ۱۳۷۵، ج ۱: ۶۸) و در تفسیر نمونه چنین آمده است که: «از آغاز این سوره تا به اینجا راه‌های مختلفی برای پیشگیری از آلودگی‌های جنسی مطرح شده است که هر یک از آنها تأثیر بسزایی در پیشگیری یا مبارزه با این آلودگی‌ها دارد. در آیات مورد بحث به یکی دیگر از بهترین طرق مبارزه با فحشاء که ازدواج ساده و آسان و بی‌ریا و بی‌تکلف است اشاره شده؛ زیرا این نکته مسلم است که برای برچیدن بساط گناه باید از طریق اشباع صحیح و مشروع غرایز وارد شد و به تعبیر دیگر هیچ‌گونه مبارزه منفی بدون مبارزه مثبت مؤثر نخواهد افتاد. فلذا در آیه مورد بحث می‌فرماید: مردان و زنان بی‌همسر را همسر دهید» (مکارم شیرازی و غیره، ۱۳۷۱، ج ۱۴: ۴۵۶).

ایامی جمع آیم بر وزن قیّم در اصل به معنی شخصی است که همسر ندارد^(۱۲) (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۱: ۱۹۵) و در قاموس قرآن آمده: «ایم زن بی‌شوهر و جمع آن ایامی است گاهی به مرد مجرد نیز ایم گویند» (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۵۲).

سپس در تفسیر نمونه این‌گونه ادامه یافته که: «ایامی جمع آیم بر وزن قیّم در اصل به معنی زنی است که شوهر ندارد. سپس بر مردی که همسر ندارد نیز گفته شده است و به این ترتیب تمام زنان و مردان مجرد



۱-۲- مسئولیت والدین

بر کسی پوشیده نیست که اولین کانونی که کودک در آن تربیت می‌شود و شخصیت او شکل می‌گیرد خانواده به معنای جمع کوچک پدر، مادر و احیاناً خواهران و برادران است. بدیهی است والدین در ترغیب فرزند به ازدواج نقش بسزایی دارند و ایشان نه تنها باید فرزند را تشویق به ازدواج کنند بلکه باید زمینه‌های یک ازدواج آبرومندانه و از روی شناخت را برای فرزند خود فراهم سازند. در تفسیر نور به نقل از تفسیر مجمع‌البیان چنین آمده: «پدر و مادری که با داشتن امکانات فرزندشان را همسر نمی‌دهند اگر فرزند مرتکب گناه شود والدین در گناه او شریک هستند» (همان: ۱۷۷). و در تفسیر نمونه چنین آمده است: اسلام در مورد فرزندان مسئولیت سنگینی بر دوش پدران افکنده و پدرانی را که در این مسئله حیاتی بی‌تفاوت هستند شریک جرم انحراف فرزندانشان شمرده است. چنانکه در حدیثی از پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلم می‌خوانیم: «کسی که فرزندش به حد رشد رسد و امکانات تزویج او را داشته باشد و اقدام نکند و در نتیجه فرزند مرتکب گناهی شود این گناه بر هر دو نوشته می‌شود» (مکارم شیرازی و غیره، پیشین: ۴۶۴). همچنین پیامبر مکرم اسلام صلی‌الله علیه و آله و سلم در روایتی علت تسریع در ازدواج فرزندان را این‌گونه بیان می‌کند: «فرزندانتان را به ازدواج وادار کنید تا از این طریق هم اخلاقشان بهتر شود، هم روزی‌شان گسترش یابد و هم شخصیتشان مطرح شود»^(۸) (مجلسی، پیشین، ج ۱۰۳: ۲۲۲). بسیار واضح و آشکار است جوانی که به سن ازدواج رسیده باشد از نظر روحی پرباشان و ناآرام است؛ زیرا گزینه‌ای در او به حرکت درآمده که باید متناسب با نیاز

در مفهوم این آیه داخل اند خواه بکر باشند یا بیوه. تعبیر انکحوا با اینکه ازدواج یک امر اختیاری و بسته به میل طرفین است مفهومش این است که مقدمات ازدواج آنها را فراهم سازید. از طریق کمک‌های مالی در صورت نیاز، (همچنین) پیدا کردن همسر مناسب، تشویق به مسئله ازدواج و بالاخره پادرمیانی برای حل مشکلاتی که معمولاً در این موارد بدون وساطت دیگران انجام‌پذیر نیست» (ناصر مکارم شیرازی و غیره، پیشین، ج ۱۴: ۴۵۷-۴۵۶).

و در تفسیر نور جناب قرائتی این‌گونه آورده: «یامی جمع ایم بر وزن قیم یعنی کسی که همسر ندارد خواه مرد باشد یا زن، باکره باشد یا بیوه» (قرائتی، ۱۳۹۰، ج ۶: ۱۷۶).

بر اساس آنچه بیان شد ملاحظه می‌گردد اسلام به صراحت و با استفاده از فعل امر در باب افعال که برای متعدی ساختن فعل لازم می‌باشد امر به ازدواج در آوردن نموده، یعنی نگفته ازدواج بکنید بلکه بالاتر از آن فرموده به ازدواج در آورید. چون همان‌گونه که گذشت نمی‌توان در وجود انسان گزینه جنسی باشد و به سن تحریک غرایز رسیده باشد و فقط از او بخواهیم که غرایز خود را کنترل کند؛ زیرا بالاخره آستانه تحمل افراد در یک نقطه‌ای شکسته می‌شود.

سال‌ها پیش یکی از وزیران کشور در خصوص ازدواج چنین گفت: نمی‌توان نان سنگک برشته شده با خشخاش طبخ نمود و درب مغازه نانوائی آویزان کرد و افراد گرسنه‌ای فقط حق داشته باشند به آن نگاه کنند، چون این افراد در نهایت به طرف آن هجوم خواهند برد. (شخصاً از زبان وی در اخبار تلویزیون شنیدم) و باید گفت سخن صحیحی است و این آیه نیز در واقع مسئولیت دیگران را در امر ازدواج گوشزد می‌کند که در اینجا توضیح می‌دهیم.

پاسخ داده شود. در غیر این صورت آثار زیان‌بار و بعضاً جبران‌ناپذیری بر او خواهد گذاشت. در این خصوص دختران نسبت به پسران از حساسیت بالاتری برخوردارند. چون از یک طرف از شهوت بالاتری نسبت به جنس مخالف برخوردارند و از طرف دیگر حیاء فطری مانع از ابراز آن می‌شود. در روایتی از امام علی علیه‌السلام چنین آمده: «خواسته درونی زنان ازدواج و رسیدن به شوهر است»^(۹) (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵: ۳۳۷) و شاید بر این اساس باشد که در روایتی از پیامبر صلی‌الله علیه و آله نقل شده که فرمودند: «از خوشبختی پدر آن است که دخترش زود شوهر کند و در خانه پدر عادت ماهیانه نبیند»^(۱۰) (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۴: ۴۱۹).

همچنین امام رضا علیه‌السلام در روایتی می‌فرمایند «جبرئیل بر پیامبر صلی‌الله علیه و آله فرود آمد و گفت: ای محمد پروردگارت تو را سلام می‌رساند و می‌فرماید: دوشیزگان همچون میوه روی درخت هستند. میوه چون برسد برای آن دارویی جز چیدن نباشد و گرنه بر اثر باد و آفتاب خراب می‌شود. دوشیزگان نیز هرگاه به مرحله زنان برسند آنان را دارویی جز شوهر دادن نباشد و گرنه از گمراهی و فساد ایمن نخواهند بود. پس رسول خدا (ص) بر منبر رفت و مردم را جمع کرد و فرمان خداوند عزوجل را به آگاهی آنان رساند»^(۱۱) (مجلسی، پیشین، ج ۱۰۰: ۳۷۱).

بالاخره در روایتی از امام صادق علیه‌السلام نقل شده: «در تقسیم شهوت بین زنان و مردان سهم زنان ۹۹ درصد و سهم مردان تنها ۱ درصد می‌باشد. ولی خداوند با حیا و عفت زنان را تعدیل نموده است»^(۱۲) (کلینی، پیشین، ج ۵: ۳۳۹).

امروزه متأسفانه در پی فراموش شدن دستورات الهی نه تنها شاهد تأخیر در



ازدواج فرزندان هستیم بلکه هرگاه ایشان با تصریح و کنایه ابراز نیاز به ازدواج نمایند آنها را به باد انتقاد می‌گیرند که شرایط مالی برای ازدواج آنها فراهم نیست.

همچنین بعضی از والدین با اعمال تعصبات بیجا مانع از انتخاب صحیح و آگاهانه زوجین می‌شوند. یعنی علی‌رغم اینکه اسلام اجازه داده پسر و دختر قبل از اینکه به عقد یکدیگر درآیند بتوانند با رعایت شرایطی که قبلاً بیان شد با یکدیگر سخن بگویند و شریک آینده خود را در زندگی انتخاب کنند، متأسفانه مانع از این شناخت می‌شوند و در نتیجه در بعضی مواقع یک ازدواج ناموفق رقم می‌خورد، بدون آنکه زوجین نسبت به یکدیگر از شناخت لازم برخوردار باشند.

۲-۲-۲- مسئولیت جامعه

با قدری تأمل در منابع غنی اسلامی ملاحظه می‌گردد جامعه از ابعاد مختلف، نقش ویژه‌ای در ازدواج جوانان ایفا می‌کند که عمده‌ترین آنها به باورهای اجتماعی یا آنچه به عنوان فرهنگ اجتماع یا بعضاً آداب و رسوم از آن یاد می‌شود اطلاق می‌گردد. آدابی که متأسفانه بیشتر منجر به بالا رفتن سن ازدواج می‌شود؛ برای مثال بالا رفتن نرخ مهریه، تجمل در جهیزیه، تهیه مسکن مستقل، امکانات رفاهی و مانند اینها. علی‌هذا در این قسمت سعی می‌کنیم ابتدا با اشاره به باورهای غلط و پس از آن نقش اجتماعی در رویکرد اصلاحی نسبت به مقوله ازدواج بپردازیم.

۲-۲-۱- باورهای غلط

الف- بالا رفتن نرخ مهریه؛

ب- افزایش توقعات از زوجین؛

ج- نگاه منفی به داماد سرخانه؛

د- افزایش هزینه‌های کاذب در ازدواج؛

ه- فرهنگ غلط خواستگاری؛

و- بالا رفتن سن ازدواج در جامعه.

۲-۲-۲- نقش اجتماع در اصلاح مقوله ازدواج

همان‌گونه که گذشت یکی از مخاطبان فعل امر آنکحوا در آیه شریفه ۳۲ از سوره مبارکه نور اجتماع است. حال باید بدانیم جامعه چه نقشی در بهبود فرهنگ ازدواج می‌تواند ایفا کند؟ صرف‌نظر از اصلاح نگرش کلی جامعه به مقوله ازدواج و تغییر باورهای اجتماعی نسبت به سن ازدواج و فرهنگ آن که در قسمت قبل به نکات منفی آن اشاره کردیم در این قسمت به دنبال بیان نقش معضدتی جامعه نسبت به این امر مهم می‌باشیم؛ بنابراین بحث خود را در دو مقوله ادامه می‌دهیم:

۱- نقش اجتماع در همسریابی

۲- نقش اجتماع در کمک مالی

۲-۲-۳- نقش اجتماع در همسریابی

قطعاً در جوامعی که آموزه‌های دینی مانع از برقراری روابط باز بین پسر و دختر می‌شود، شناسایی دختر دم بخت و پسر آماده ازدواج قدری مشکل می‌شود؛ البته در گذشته معایب روابط باز بین دو جنس مخالف بیان گردید، ولی به هر حال عدم اطلاع از وجود همسری شایسته در بین خانواده‌ها نقیصه کوچکی نیست و شاید به همین دلیل اسلام با درک صحیح از نیازهای مختلف اجتماعی بر وساطت در امر ازدواج پافشاری نموده است تا جایی که این امر از بهترین وساطت‌ها قلمداد گردیده است، امام علی علیه‌السلام در این خصوص می‌فرمایند: «بهترین وساطت‌ها این است که میان دو نفر در امر ازدواج وساطت شود تا سر و سامان بگیرند»^(۱۳) (مجلسی، پیشین، ج ۱۰۰: ۲۲۲). همچنین از امام صادق علیه‌السلام چنین روایت شده است: «هر که عزبی را زن دهد از جمله کسانی است که خداوند عزوجل در روز قیامت به او نظر می‌افکند»^(۱۴) (عاملی، پیشین، ج ۲۰: ۴۵).

و مرحوم امام خمینی (ره) در این خصوص با استناد به روایتی از پیامبر با این مضمون که هر کس واسطه ازدواج بین دو مؤمن گردد به هر قدمی که بردارد و کلامی که در این راه بگوید ثواب یک سال نماز شب خواندن و روزه گرفتن برای وی منظور می‌گردد می‌فرماید: «مستحب است کوشش در ازدواج دو نفر با یکدیگر و میانجی شدن و دو طرف را راضی کردن»^(۱۵) (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۲: ۲۴۰). همچنین در تفسیر نمونه نیز ذیل عبارت آنکحوا چنین آمده است: «با اینکه ازدواج یک امر اختیاری و بسته به میل طرفین است مفهومی این است که مقدمات ازدواج آنها را فراهم سازید، از طریق کمک‌های مالی در صورت نیاز، پیدا کردن همسر مناسب، تشویق به مسئله ازدواج و... بدون شک اصل تعاون اسلامی ایجاب می‌کند که مسلمانان در همه زمینه‌ها به یکدیگر کمک کنند، ولی تصریح به این امر در مورد ازدواج دلیل بر اهمیت ویژه آن است» (مکارم شیرازی و غیره، پیشین، ج ۱۴: ۴۵۷).

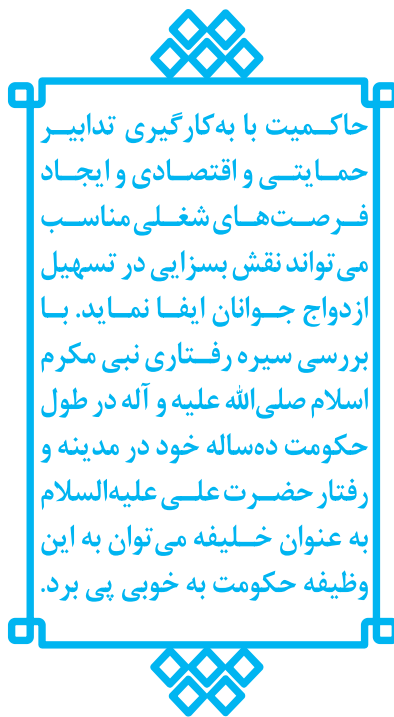
و در تفسیر نور آمده: «بهترین واسطه‌گری شفاعت و واسطه‌گری در امر ازدواج است. چنانچه در روایت آمده است: کسی که دیگری را داماد یا عروس کند در سایه عرش خداست» (قرائتی، پیشین، ج ۶: ۱۷۶). امروزه با توسعه جوامع خصوصاً در شهرهای بزرگ دوستان و خویشاوندان متأسفانه کمتر به فکر انجام این‌گونه امور می‌باشند. ملاحظه می‌کنیم دختران محجبه علی‌رغم داشتن کمالات بالا دیر شوهر می‌روند و یکی از علل اساسی آن عدم خودنمایی این دختران در اجتماع است.

بدیهی است در چنین شرایطی افراد جامعه باید همت کنند و زنان، دختران خوب و دم بخت را شناسایی کنند و مردان، پسران آماده ازدواج را و در به هم رساندن آنها



مشترک آبرومندانه را خود تضمین نموده است و از افراد خواسته به بهانه فقر مادی از تن در دادن به ازدواج طفره نروند. در اینجا لازم است به یک نکته اشاره شود و آن این است که تضمین خداوند در خصوص تأمین مخارج در زندگی مشترک به معنای تنبیل سازی و گداپروری نیست؛ زیرا آیات قرآن کریم در مجموع و با در نظر گرفتن سایر آیات و قوانین الهی قابل فهم و درک صحیح است. در اینجا نیز با حاکمیت آیه شریفه: «و اینکه: برای مردم پاداشی جز آنچه خود کرده‌اند نیست»^(۲۱) (سوره نجم، آیه ۳۹)، باید به این وعده الهی نگریست. علی‌ای حال یکی از راهکارهای مرتفع شدن فقر جوانان جهت انجام ازدواج، ترویج فرهنگ تعاون مالی در بین شهروندان است. در خصوص این امر مهم، خداوند متعال در آیه ۲۲ از سوره مبارکه نور به صراحت می‌فرماید: «و نباید صاحبان ثروت و نعمت درباره خویشاوندان خود و در حق مساکین و مهاجرین در راه خدا، سوگند یاد کنند که از بخشش و انفاق به ایشان خودداری نمایند»^(۲۲) (سوره نور، آیه ۲۲). با قدری تأمل در مفاد این آیه می‌توان گفت کمک مالی به دیگران نه تنها از بروز جرایم جنسی پیشگیری می‌کند، بلکه از وقوع بسیاری از جرایم مالی و حتی جنایات منجر به قتل پیشگیری می‌کند و چون موضوع بحث ما پیشگیری از وقوع جرایم جنسی است، فقط در این خصوص مطالبی بیان می‌کنیم.

قبل از آنکه به نقش کمک ثروتمندان به سایر اقشار در امر ازدواج و تسهیل آن بپردازیم، متذکر می‌شوم این نوع کمک‌ها از باب جلوگیری از خودفروشی نیز تأثیر بسزایی در پیشگیری از وقوع جرایم جنسی دارد؛ زیرا متأسفانه در پاره‌ای موارد شاهد آن هستیم که دختران و پسران به



از جنس خودتان همسرانی آفرید. تا به ایشان آرامش یابید و میان شما دوستی و مهریانی نهاد. در این عبرت‌هایی است برای مردمی که تفکر می‌کنند»^(۲۳) (سوره روم، آیه ۲۱). افقی بسیار وسیع‌تر را برای بهره‌مندی زوجین از یک زندگی سالم و توأم با سعادت و پیشرفت بر روی ایشان می‌گشاید. خطر محروم ماندن جوانان از ازدواج به لحاظ فقر مالی آن‌قدر جدی است که خداوند متعال در ادامه آیه ۳۲ از سوره مبارکه نور اضافه می‌کند: «... اگر بینوا باشند خدا به کرم خود توانگرشان خواهد ساخت»^(۲۴) و به نوعی علی‌رغم عموماتی که در خصوص توکل بر خداوند آمده: «... و هر که بر خدا توکل کند، خدا او را کافی است»^(۲۵) (سوره طلاق، آیه ۳). و «... پس مؤمنان باید که بر خدای توکل کنند»^(۲۶) (سوره آل عمران، آیه ۱۲۲/ سوره مائده، آیه ۱۱). و «... و من کار خویش به خدا واگذار می‌نمایم؛ زیرا او بر احوال بندگانش بسیار بیناست»^(۲۷) (سوره غافر، آیه ۴۴)، خداوند متعال در اینجا به صورت ویژه تأمین مخارج ازدواج و یک زندگی

سعی و تلاش کنند. با بررسی دستورات عالیه اسلامی ملاحظه می‌کنیم شارع مقدس به موازات نهی از اختلاط محرم و نامحرم و برقراری روابط ناشایست اجتماعی بین دو جنس مخالف، تشویق در ارضاء مشروع غریزه جنسی از راه ازدواج نموده. در این رابطه در تفسیر نمونه چنین آمده است: «در آیات مورد بحث به یکی دیگر از مهمترین طرق مبارزه با فحشاء که ازدواج ساده و آسان و بی‌ریا و بی‌تکلف است اشاره شده؛ زیرا این نکته مسلم است که برای برچیدن بساط گناه باید از طریق اشباع صحیح و مشروع غرایز وارد شد و به تعبیر دیگر هیچ‌گونه مبارزه منفی بدون مبارزه مثبت مؤثر نخواهد افتاد. لذا در نخستین آیه مورد بحث می‌فرماید: مردان و زنان بی‌همسر را همسر دهید» (مکارم شیرازی و غیره، پیشین، ج ۱۴: ۴۵۶).

۲-۲-۴- نقش اجتماع در کمک مالی
با بررسی علل طولانی شدن زمان ازدواج و به تعبیر صحیح‌تر، بالا رفتن سن ازدواج به یکی از عوامل اساسی برخورد می‌کنیم که عبارت است از فقر مالی. چه بسیار پسرانی که به لحاظ عدم تمکن مالی علی‌رغم شدت نیاز جنسی از انتخاب همسر محروم مانده‌اند و بعضاً به فساد کشیده شده‌اند و چه بسیار دخترانی که به لحاظ عدم توانایی خانواده‌ها در تأمین جهیزیه و سایر مخارج ازدواج از رفتن به خانه بخت محروم مانده‌اند. البته شاید در این خصوص راهکار ازدواج موقت مطرح شود که به آن مقوله به عنوان یک راهکار موردی و مقطعی و نه فراگیر در آینده به لطف الهی خواهیم پرداخت، اما قطعاً ازدواج موقت نمی‌تواند جایگزین ازدواج دائم و مزایای فراوان آن گردد. چون در بحث ازدواج تمام خواسته انسان ارضاء شهوت جنسی نیست و عبارت *لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا* در آیه شریفه: «و از نشانه‌های قدرت اوست که برایتان



لحاظ فقر مالی و به منظور تأمین بعضی از مخارج زندگی و البته در سایه بی‌تقوایی، اقدام به خودفروشی می‌کنند و یا بعضی از شوهران یا پدران لالابالی از فرط فقر مالی و به منظور تأمین بعضی از مخارج زندگی که به لحاظ اعتیاد به مواد مخدر خودشان آن را بر خود تحمیل ساخته‌اند، دست به ناموس فروشی می‌زنند.

به هر حال از این مقوله که عبور کنیم، به اصل بحث، یعنی تأثیر اجتماع در برطرف شدن فقر جوانان و ایجاد بستری سالم جهت انجام ازدواجی موفق می‌پردازیم. در این آیه شریفه خداوند متعال از ثروتمندان می‌خواهد که بی‌توجه نسبت به مسائل مالی فقرای جامعه و خصوصاً خویشاوندان نباشند. مرحوم علامه طباطبائی (ره) در ذیل این آیه می‌فرماید:

«معنای آیه این است که صاحبان فضل و سعه یعنی توانگران از شما نباید در دادن اموال خود به خویشاوندان و مساکین و مهاجرین در راه خدا کوتاهی کنند؛ و یا معنایش این است که توانگران چنین کاری را ترک نکنند و یا این است که توانگران هیچ‌وقت سوگند نخورند که دیگر به نامبردگان چیزی نمی‌دهیم» (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۱۳۴). و در تفسیر نور چنین آمده است: «از پیام‌های این آیه آن است که مرفهین در برابر محرومان مسئول هستند، مهم‌تر از انفاق، استمرار آن و خسته نشدن از آن و کوتاهی نکردن در آن است. در انفاق هم از وسعت مالی و هم از امکانات دیگران استفاده کنید، در کمک کردن بستگان اولویت دارند، در پیمودن مراحل کمال بلندهمت باشید و به حداقل اکتفا نکنید» (قرائنی، پیشین، ج ۶: ۱۶۲).

در این آیه شریفه دایره بخشش و تعاون اجتماعی و کمک مالی ثروتمندان به دیگران آن‌قدر گسترده است که خداوند

متعال افرادی را که پس از حادثه افک که در آن نسبت ناروایی به عایشه همسر پیامبر زده شد، بر حذر می‌دارد از آنکه توجه مالی به مستمندان را ترک کنند؛ زیرا پس از آن حادثه عده‌ای از ثروتمندان سوگند یاد کردند که به شرکت کنندگان در پخش آن شایعه کمک مالی نکنند و به نوعی ایشان را تحت فشار اقتصادی قرار دهند. در این خصوص، در تفسیر نمونه چنین آمده است: «قرآن می‌گوید: آنها که دارای برتری مالی و وسعت زندگی هستند، نباید سوگند یاد کنند یا تصمیم بگیرند که انفاق خود را نسبت به نزدیکان و مستمندان و مهاجران در راه خدا قطع کنند. این تعبیر نشان می‌دهد که جمعی از کسانی که آلوده افک شدند از مهاجران در راه خدا بودند که فریب منافقان را خوردند و خداوند به خاطر سابقه آنها اجازه نداد که آنان را از جامعه اسلامی طرد کنند و تصمیماتی که بیش از حد استحقاق باشد، درباره آنها بگیرند» (مکارم شیرازی و غیره، پیشین، ج ۱۴: ۴۱۵).

بدیهی است کمک جامعه به جوانان مستمند می‌تواند به دو صورت انجام شود: ۱- به صورت مستقیم که در این صورت باید شخصیت جوان مورد توجه قرار گرفته، به گونه‌ای مورد کمک قرار گیرد که احساس حقارت نکند و شخصیت او در مقابل دیگران شکسته نشود. البته در جامعه امروزی نیز افراد بایمان هستند که هزینه برگزاری مراسم ازدواج یا تهیه منزل یا سایر مخارج یک زندگی مشترک از قبیل جهیزیه و مانند آن را تقبل می‌نمایند، بدون آنکه خانواده‌ها متوجه شوند. در این خصوص می‌توان به تشکلهای خودجوش مردمی مانند بنیاد ازدواج که در امر تهیه جهیزیه به مستمندان کمک می‌کند یا خدمات کمیته امداد امام خمینی (ره) اشاره کرد.

۲- به صورت غیرمستقیم که معمولاً در قالب چشم‌روشنی و هدیه ازدواج از آن یاد می‌شود. سنت بسیار پسندیده‌ای که در پاره‌ای جوامع از جایگاه والایی برخوردار است. در این مورد، معمولاً مردم خود را متعهد به پیمان نانوشت‌های می‌دانند. به عنوان مثال در استان چهارمحال و بختیاری یا اصفهان و بسیاری از استان‌های کشورمان معمولاً هزینه برگزاری مراسم ازدواج را خانواده عروس و داماد تقبل می‌کنند و از طرفی مردم شرکت‌کننده در مراسم با پرداخت هدایایی که امروزه نوعاً پول نقد است از عروس و داماد تقدیر می‌کنند. در بعضی مواقع ممکن است مجموع این هدایا به چند ده میلیون تومان برسد که البته می‌تواند در شروع زندگی کمک بسیار بزرگی به زوج‌های جوان باشد. طبیعی است در مقابل، وقتی فرزندان فرد هدیه دهنده قصد ازدواج دارند نوعاً خانواده عروس و داماد قبلی در اقدامی مشابه مبلغی پول به عنوان هدیه به زوج جدید کمک می‌کنند و این چرخه مبارک ادامه پیدا می‌کند، البته متأسفانه در پاره‌ای نقاط خبرهایی به گوش می‌رسد که خانواده‌ها هدیه ازدواج را ثمره مخارج خود می‌دانند و آن را برای خود برمی‌دارند که این امر با روح تعاون در امر ازدواج سازگاری ندارد.

۳- مسئولیت حاکمیت

با توجه به عام بودن معنای انکحوا به نظر می‌رسد یکی از مخاطبان اساسی این فرمان حکومت باشد؛ زیرا حاکمیت با به‌کارگیری تدابیر حمایتی و اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب می‌تواند نقش بسزایی در تسهیل ازدواج جوانان ایفا نماید. با بررسی سیره رفتاری نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه و آله در طول حکومت ده‌ساله خود در مدینه و رفتار حضرت علی علیه‌السلام به عنوان خلیفه می‌توان به این وظیفه حکومت به خوبی پی برد. در



حدیثی پیامبر مکرم اسلام (ص) فرمودند: «هر شخص در امامت و تصدی امور مردم باید سه ویژگی داشته باشد، ورع و تقوای لازم که از گناه کنترل کند. صبر و شکیبایی که از خشم و غضب کنترل نماید. دلسوزی و محبت که همچون پدری مهربان باشد». و امیر مؤمنان علی علیه السلام در بیان این مسئولیت می فرماید: «آیا به آنکه به

من گفته شود حاکم و فرمانروا دلخوش باشم و با شهروندان در مشکلات شریک نباشم»^(۲۳) (جعفری، ترجمه، ۱۳۸۶: ۹۱۸). همچنین در سیره رفتارهای پیامبر اکرم صلی الله و علیه و آله آمده است که جوانی به حضور ایشان رسید و عرض کرد: من در بحران جنسی قرار گرفته‌ام. کسی تحمل من را ندارد. شرایط و ویژگی‌های من

استثنایی است و حضرت بدون ناراحتی او را جهت ازدواج با زنی مناسب راهنمایی کردند (عاملی، پیشین، ج ۱۴: ۳۸).

بنابراین اگر حاکمیت خود را در مقابل سرنوشت جامعه مسئول بداند، قطعاً تمهیداتی در خصوص پیشگیری از واقع شدن جامعه در مفاسد اخلاقی اندیشه خواهد نمود.

برآمد

از منظر اسلام یکی از راهکارهای اساسی مبارزه با مفاسد اخلاقی که جزء پیشگیری‌های اجتماعی محسوب می شود، ترویج ازدواج در سن بلوغ جنسی و قبل از رسیدن به مرحله بحران است.

اسلام نه تنها انسان را به سرکوب غرایض تشویق و توصیه نمی کند، بلکه راه صحیح را به او نشان می دهد. در آیه ۳۲ از سوره مبارکه نور ازدواج به عنوان یکی از راه‌های عفت اجتماعی بیان شده است و روایات فراوانی به اهمیت نقل ازدواج تأکید دارد. اسلام به صراحت و با استفاده از فعل امر در باب افعال که برای متعدی ساختن فعل لازم می باشد امر به ازدواج در آوردن نموده، یعنی نگفته ازدواج بکنید بلکه بالاتر از آن فرموده به ازدواج در آورید و از این رو برای سایر اشخاص نیز در این باب ایجاد تکلیف و مسئولیت نموده است و همه افراد جامعه اعم از والدین، فرهنگ عمومی مردم و حاکمیت مسئول می باشند؛ بدیهی است چنانچه هر کس در این خصوص به وظیفه خویش عمل کند شاهد کاهش چشمگیر جرائم جنسی خواهیم بود.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- «وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ...».
- ۲- «شراکم عزایکم و ارادل موتاکم عزایکم».
- ۳- «من احب ان یلقى الله طاهراً مطهراً فلیلقه بزوجه».
- ۴- «ما بنی فی الاسلام بناء احب الی الله عزوجل و اعزمن التزویج».
- ۵- «ان رکعتین یصلیهما رجل متزوج افضل من رجل یقوم لیلہ و یصوم نهارہ اعزب...».
- ۶- «یما شاب تزوج فی حدائہ سنہ عَج شیطانہ یا ویلہ عصم متی دینہ».
- ۷- «لا یم: العزب رجلا کان او امرأه قال لصغانی و سواء تزوج من قبل اولم یتزوج».
- ۸- «زوجوا ایماکم فان الله یحسن لہم اخلاقہم و یوسع لہم فی ارزاقہم و یزیدہم فی مرواہم».
- ۹- «ان النساء مہین الرجال».
- ۱۰- «من سعادہ الرجل ان لاتحیض ابنثہ فی بیتہ».
- ۱۱- «نزل جبرئیل علی النبی صلی الله علیہ و آلہ فقال: یا محمد ان ربک یقرئک السلام و یقول: ان الایکار من النساء بمنزلہ الثمر علی الشجر فإذا أینع الثمر فلا دواء له الا اجتناؤه و الا فسدته الشمس و غیرتہ الريح و ان الایکار اذا ادرکن ما تدرک النساء فلا دواء لہن الا البعول و الا لم یؤمن علیہن الفتنہ فصعد رسول الله صلی الله علیہ و آلہ المنبر فجمع الناس ثم اعلمہم ما امر الله عز و جل بہ».
- ۱۲- «فصلت المرأة علی الرجل بتسعة و تسعین من اللذہ ولكن الله لقی علیہا الحیاء».
- ۱۳- «افضل الشفاعات ان یشفع بین اثنین فی نکاح حتی یجمع شملہما».
- ۱۴- «من زوج اعزبا کان ممن ینظر الله عزوجل الیہ یوم القیامہ».
- ۱۵- «یستحب السعی فی التزویج و الشفاعہ فیہ و ارضاء الطرفين».
- ۱۶- «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ».
- ۱۷- «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ».
- ۱۸- «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ...».
- ۱۹- «وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ».
- ۲۰- «وَأَقْرَضَ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ».
- ۲۱- «وَأَنْ لَيْسَ لِلإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى».
- ۲۲- «وَلَا يَأْتِلُ أُولُوا الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولَى الْقُرْبَى وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...».

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم، مترجم، عبدالمحمد آیتی، تهران، انتشارات سروش، چاپ چهارم، ۱۳۷۴
- ۲- نهج الفصاحه، مترجم، مظاهری، علی اکبر، قم، نشر قدسیان، چاپ سوم، ۱۳۸۹
- ۳- نهج البلاغه، سید رضی، مترجم، جعفری، محمدتقی، تهران، شرکت تعاونی کارآفرینان فرهنگ و هنر، چاپ اول، ۱۳۸۶
- منابع فارسی (با ترجمه شده)
- ۴- بند ریگی، محمد، منجد الطلاب (فرهنگ لغت)، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ یازدهم، ۱۳۷۴
- ۵- قرآنی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ ششم، ۱۳۹۰
- ۶- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۷۱
- ۷- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، مرکز الکتاب للترجمه والنشر، چاپ اول، ۱۴۰۲
- ۸- مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، تهران، صدرا، چاپ یازدهم، ۱۳۷۹
- ۹- مطهری، مرتضی، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، تهران، صدرا، چاپ هفتم، ۱۳۷۲
- ۱۰- مکارم شیرازی و غیره، ناصر، تفسیر نمونه، تهران دارالکتب الاسلامیه، چاپ یازدهم، ۱۳۷۱
- ۱۱- موسوی همدانی، سیدمحمد باقر، ترجمه تفسیر المیزان، قم، اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴
- ۱۲- مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی، عربی-فارسی، اسلامی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۵
- منابع عربی
- ۱۳- عاملی، شیخ حر، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹
- ۱۴- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵
- ۱۵- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفا، ۱۴۰۴
- ۱۶- موسوی خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، قم، موسسه مطبوعات دارالعلم چاپ دوم، بی تا